

الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان بر اساس نتایج تحقیقات مرتبط

ستاره کنعانی هرندی*

محمد نوریان**، داریوش نوروزی***

محمود عبایی کوپایی****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان بر اساس نتایج تحقیقات مرتبط انجام گردید. رویکرد پژوهش از نوع کیفی و روش آن سنتزپژوهی توأم با تحلیل محتوای کیفی می‌باشد که در آن پژوهش‌های اخیر با روشی نظام‌مند انتخاب، واکاوی محتوایی و دسته بندی شده‌اند. جامعه مورد مطالعه تحقیقات انجام شده خارجی (در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۲۰۱۸) و داخلی (در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶) بوده است. از مجموع پژوهش‌هایی که از سایت‌های معتبر داخلی و خارجی انتخاب شده بودند، تعداد ۷۱ مورد به عنوان نمونه به صورت هدفمند انتخاب گردید. تحلیل‌های انجام شده ابتدا کدگذاری و طبقه بندی گردید و سپس بدنه اصلی در قالب ۵۲ مولفه در راستای ۴ عنصر اصلی "اهداف"، "محتوا"، "روش‌های یاددهی - یادگیری"، "روش‌های ارزشیابی" و ۸ مولفه مرتبط با عنصر زمینه‌ای "محیط آموزشی" شناسایی گردید. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی دوره پیش دبستان و دبستان می‌توانند با استفاده از الگوی مفهومی مستخرج، تدابیر شایسته را جهت اجرای مطلوب و با کیفیت برنامه درسی فلسفه برای

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب setarekanani@yahoo.com

** دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)،
Nourian2001@gmail.com

*** دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، drdnoroozi@gmail.com

**** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب،
m_abaekoopaei@azad.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

کودکان اتخاذ کنند. مربیان و آموزگاران نیز قادر خواهند بود تا الگوی موجود را بر اساس تجربیات عملی ندریس، تطبیق دهند تا تدریس اثربخش تری داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: آموزش فلسفه برای کودکان، الگوی برنامه درسی، تحلیل محتوای کیفی.

۱. مقدمه

افزایش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده سازی افراد برای زندگی در جامعه در حال رشد از یکسو و تعدد دیدگاه‌ها در خصوص نقشی که آدمیان در قرن جدید ایفا خواهند کرد از سوی دیگر، بیش از پیش دست اندرکاران نظام‌های آموزشی را متوجه هدایت و سازماندهی فرایندهای آموزشی نموده است (رضانی، ۱۳۸۹: ۲۱-۳۵). آموزش و پرورش جدید در تلاش است تا روش‌های صحیح استدلال و تفکر را محور برنامه‌های درسی قرار دهد. تغییر و تحولات سریع جوامع و رشد روز افزون اطلاعات و نیاز به نحوه برخورد صحیح با این تحولات، مستلزم آموزش درست اندیشیدن و پرورش قوه تحلیل است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی با این تحولات را بیابد (Murris, 2008:667-685).

به این منظور در چهار دهه پیش برنامه درسی فلسفه برای کودکان توسط «مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان» تدوین شد. این برنامه یکی از بزرگ‌ترین و جدیدترین راه‌ها، با هدف تقویت و بهبود توانایی استدلال، داوری و قدرت تشخیص دانش‌آموزان بود (Barrow, 2015:76-87). فایر و همکاران (Fair et al, 2015:18-37) اعتقاد دارند که فلسفه برای کودکان نمونه آشکار کاربرد فلسفه در آموزش و پرورش است و هدف آن یاد دادن فلسفیدن و فلسفه ورزی به کودکان است تا به دانش‌آموزان کمک کند که بیندیشند و مسائل خود را حل کنند (Välitalo et al, 2016:79-92). در این راستا تحقیقات انجام شده توسط اندوفایرپی و کراس (Ndofirepi, Cross, 2015:225-238) کلموم (Colom, 2014:11-16) ناسبام (Nussbaum, 2010)، دانیال و همکاران (Daniel et al, 2005:23-52) و (۲۰۱۲)، لاندساون (Lansdown, 2012)، فیامی (Fayemi, 2009:166-176) و محققان دیگری چون کانن (Cannon, 1987:30-35)، کانن و واینس تاین (Cannon, Weinstein, 1985:29-33)، گزرد (Gazzard, 1988:32-41)، کندی (Kennedy, 1996:28-41)، لین و لین (Lane, Lane, 1986:263-275) حاکی از آن است که برنامه آموزش فلسفه به می‌کوشد تا دانش‌آموزانی آگاه، منتقد و متفکر پرورش دهد که در رابطه متقابل با محیط به دانشی دست یابند که

متعلق به خودشان است و بتوانند آن را در موقعیت‌های زندگی بکار گیرند. گراد و همکاران (Gorard et al, 2017:5-22) هم آموزش فلسفه به کودکان را به معنای آموزش درست اندیشیدن درباره اندیشه‌ها و از طریق جستجو به روش علمی برای درست زیستن می‌دانند. لطف‌آبادی (۱۳۸۵: ۱۱-۴۴) و نیز صمدی، قاندی و رمضانی (۱۳۹۰: ۸۱-۱۰۴) اذعان دارند که دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که هدفمند بیندیشند و در تعبیر و تفسیر مسائل به قضاوت درست پردازند. با توجه به همه موارد فوق محققان اعتقاد راسخ دارند که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان خلق افکار نو و ایده‌های جدید را دنبال دارد و سعی می‌کند مشکل اساسی آموزش و پرورش فعلی که در دوره کودکی یادگیرندگان را منفعل و معلمان و مربیان را سخنران، کلاس درس را بی روح و ذهن یادگیرنده را انباری از اطلاعات در نظر گرفته است، دگرگون کند. لذا با اطمینان می‌توان بیان کرد که اگر کودکان را معقول و محقق بار بیاوریم در آینده‌های نه چندان دور دارای شهروندانی معقول و خردمند خواهیم بود این برنامه می‌تواند هم زندگی شخصی فرد و هم زندگی اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. شعاری نژاد (۱۳۹۵) سقراط را اولین فردی می‌داند که نشان داد کارهایی که در طول زندگی انسان انجام می‌شود همه لحظات و مقاطع آن فرصتی برای انجام فلسفه؛ یعنی فلسفی اندیشیدن است. کنجکاوی و میل به فهمیدن و شناختن یا کشف کردن با عمیق‌ترین تارهای جان آدمی پیوند دارد.

برنامه درسی فلسفه برای کودکان هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان و نیز ایران در حال اجراست و در این حیطه فعالیت‌هایی مبانی نظری، پژوهشی و عملی صورت گرفته است (قاندی، ۱۳۸۸: ۸۳-۱۰۸) به طوری که در یک دسته بندی کلی می‌توان عنوان نمود که این مطالعات یا عمدتاً به مفهوم‌شناسی آن پرداخته‌اند [مانند: قاندی (۱۳۸۳)، قضاوی (۱۳۸۶)، تریکی و تاپینگ (Trickey & Topping, 2004:365-380)]، یا به تبیین چگونگی آن اقدام کرده‌اند [مانند: سجادیان و همکاران (۱۳۹۳: ۶۴-۸۰)، موریسون (Morrison, 2014)، خارستانی (۱۳۸۷)، رحیمی نسب و همکاران (۱۳۸۶)، ویلکز (Wilks, 2004)، حاجی نصراله (۱۳۸۴: ۶۲-۷۰)] و یا این که آن را با رویکرد کاربردی انجام داده‌اند [مانند: جناب زاده رودباری (۱۳۹۵: ۲۱-۴۶)، عظیم‌پور و همکاران (۱۳۹۵: ۶۵-۸۲)، صفرپور (۱۳۹۵)، هدایتی و ماه‌زاده (۱۳۹۵: ۲۹-۵۴)، کیارسی و همکاران (۱۳۹۵: ۱۷-۳۱)، ستاری (۱۳۹۵: ۵۰-۷۰)، ویتتر و هیگز (Venter, Higgs, 2014:11-16)، روشن قیاس (۱۳۹۳)، بلیزبی (Bleazby, 2009:70-78)]. مطالعه عمیق و دقیق منابع مذکور

نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی دچار یک مشکل اساسی هستند و آن این است که نتوانسته‌اند اندیشیدن، پرسیدن و با هم اندیشیدن را در کودکان ارتقاء دهند. در این ارتباط سؤالی که ذهن خلاق و منتقد هر پژوهشگری را درگیر می‌کند این است که اگر کودکان هنگام اشتغال به یادگیری، اندیشیدن و با هم اندیشیدن و به صورت گروهی کارکردن را نیاموزند چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند و در جامعه قدم بگذارند؟ با توجه به این مسئله مهم برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی آن باید مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد تا بتواند به بهترین شکل خود اجرا گردد، با بررسی‌ها و تحقیقات بیشتر در زمینه این برنامه مریبان و دست‌اندرکاران و تمام کسانی که مشتاق در امر تعلیم و تربیت کودک هستند با زیر و بم‌های این برنامه به خوبی آشنا می‌شوند و می‌دانند که چه چیزی را می‌خواهند با چه روش‌هایی و چه اهدافی تدریس نمایند. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان مانند سایر برنامه‌ها دارای عناصری است که شامل؛ هدف، محتوی، روش و ارزشیابی می‌شود؛ لذا در این تحقیق برآنیم تا بر اساس نتایج تحقیقات مرتبط به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که مختصات و هندسه معرفتی و کیفیتی عناصر برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان چگونه است؟ بنابراین سؤالات فرعی تحقیق شامل موارد زیر است:

۱. تجمیع نتایج تحقیقات چه اهدافی را برای آموزش فبک ارائه می‌دهد؟
۲. تجمیع نتایج تحقیقات چه محتوایی را برای آموزش فبک مطرح می‌کند؟
۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های یاددهی-یادگیری را برای آموزش فبک معرفی می‌کند؟
۴. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های ارزشیابی را برای آموزش فبک تجویز می‌کند؟

۲. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر از تحقیقات کیفی و روش آن سنتزپژوهی می‌باشد که با تحلیل محتوای کیفی توأم بوده و اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها شده است. جامعه مورد مطالعه تحقیقات انجام شده خارجی (در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۲۰۱۸) و داخلی (در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶) حوزه آموزش فلسفه به کودکان و مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی آن بوده است که در سایت‌های معتبر داخلی و خارجی از جمله مگ ایران، نورمگز، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، ایرانداک، علم‌نت، پرو کوئیس (Proquest)،

اسپرینگر (Springer)، ساینس دایرکت (Science Direct)، امرالد (Emerald)، اریک (ERIC)، تیلور و فرانسیس (Taylor & Francis) و گوگل اسکولار (Google Scholar) موجود بودند که از میان آن‌ها تعداد ۷۱ مورد به روش هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده و پژوهشگر را تا حد اشباع اطلاعاتی یاری نمودند. در جدول شماره ۱ نمونه پژوهشی به ترتیب سال تدوین و نشر آورده شده است.

[همان گونه که مشهود است محوریت تعدادی از پژوهش‌های انجام شده مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی آموزش فلسفه برای کودکان می‌باشد. البته پژوهشگر اصلی در فصل دوم رساله دکتری خود که "طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه‌دستی فلسفه برای کودکان با رویکرد رشد خلاقیت" نام دارد به گونه‌ای دقیق و نظام یافته به این مبانی اشاره کرده و با در نظر گرفتن آن‌ها اقدام به طراحی الگو کرده است که به نظر می‌رسد به دلیل کثرت نمونه پژوهشی و نیز محدودیت حجم در تدوین مقاله اشاره به آن‌ها منطقی نباشد].

جدول ۱: پژوهش‌های انجام شده در حوزه آموزش فلسفه برای کودکان

| نام پژوهشگر و سال انتشار | عنوان پژوهش |
|-----------------------------|--|
| Makaiau, Tanaka (۲۰۱۸) | فلسفه برای کودکان: روشی پویا برای تدریس مطالعات اجتماعی در ژاپن و ایالات متحده آمریکا |
| Kohan (۲۰۱۸) | پائولو فریره و فلسفه برای کودکان: یک گفتگوی انتقادی |
| سروش (۱۳۹۶) | بررسی ارتباط میان آموزش فلسفه برای کودکان و تربیت شهروند جهانی |
| Fisher (۱۳۹۶) | آموزش تفکر برای کودکان |
| امیریان (۱۳۹۶) | مقایسه اثر بخشی روش‌های مختلف آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ |
| براتی (۱۳۹۶) | ظرفیت بالای متون کهن ادب فارسی برای بومی‌سازی منابع فلسفه و کودک |
| ستارپناهی و برخوردار (۱۳۹۶) | بررسی اثربخشی و کارایی داستان‌های مثنوی (دفتر ششم) در فلسفه و کودک |
| شاه نعمتی و همکاران (۱۳۹۶) | تحلیل روش‌های تدریس هنر به منظور ارائه الگوی مطلوب در دوره ابتدایی |
| Gorard et al (۲۰۱۷) | آیا "فلسفه برای کودکان" می‌تواند پیشرفت تحصیلی را بهبود بخشد؟ |
| Bialystok (۲۰۱۷) | فلسفه در سراسر برنامه‌دستی و پرسش از ظرفیت معلم؛ یا فلسفه چیست و چه کسی می‌تواند آن را آموزش دهد؟ |
| D'Olimpio, Teschers (۲۰۱۶) | فلسفه برای کودکان جهت کاربست در آشنایی با هنر زندگی: یک رویکرد جامع برای آموزش برای زندگی |
| Green, Condy (۲۰۱۶) | پرس و جو فلسفی به عنوان ابزار آموزشی برای اجرای برنامه‌دستی CAPS |

| | |
|--|--------------------------------|
| فلسفه برای کودکان به عنوان یک تمرین آموزشی | Riku et al (۲۰۱۶) |
| برنامه درسی فلسفه برای کودکان: مقاومت در برابر آموزه‌های اثبات شده و شکل گیری فرزند فیلسوف | Murris (۲۰۱۶) |
| فلسفه برای کودکان: ارزیابی ظرفیت داستانهای عاشقانه مثنوی معنوی بر اساس دیدگاه لیپمن در تفکر فلسفی | Azemat Madar Fard et al (۲۰۱۶) |
| اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان | جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵) |
| اصول بازنویسی داستان های متون کهن فارسی به منظور استفاده در برنامه فلسفه و کودک | یوسفی (۱۳۹۵) |
| بررسی دیدگاه معلمان دوره ابتدایی مجری برنامه فلسفه برای کودک اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران نسبت به محتوا و روش اجرای این برنامه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ | ستاری (۱۳۹۵) |
| بررسی تأثیر اجرای قصه‌های سنتی استان خوزستان بر پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی | شمسیان (۱۳۹۵) |
| مقایسه ی تأثیر روش تدریس همیارانه با روش کاوشگری بر خلاقیت دانش‌آموزان پسر در درس علوم تجربی پایه ی سوم ابتدایی منطقه ی چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ | تاجداری (۱۳۹۵) |
| تأثیر برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی | قبادیان (۱۳۹۴) |
| تولید محتوای فلسفه و کودک | برخورداری (۱۳۹۴) |
| تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر | بدری گرگری و واحدی (۱۳۹۴) |
| روش تدریس فلسفه و کودک | ایمانی و تاجبخش (۱۳۹۴) |
| اجرای چند رسانه ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی | اسمعیل زاده و کرمی (۱۳۹۴) |
| طراحی الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان در دوره ابتدایی بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی | صباغ حسن زاده (۱۳۹۴) |
| بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی | جعفری و همکاران (۱۳۹۴) |
| بررسی تأثیر داستان های گلستان سعدی بر پرورش قضاوت اخلاقی نوجوانان با استفاده از روش آموزش فلسفه به کودکان | ماهروزاده و تجری (۱۳۹۴) |
| مجموعه آموزش مربی فلسفه برای کودکان و نوجوانان | یاری دهنوی (۱۳۹۴) |
| فلسفه برای کودکان | صادقی هاشم آبادی و علوی (۱۳۹۳) |

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان ... ۱۲۷

| | |
|-------------------------------|--|
| هدایتی (۱۳۹۳) | مطالعه تطبیقی دوره های تربیت مربی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران و کشورهای پیشرو و ارائه الگوی مناسب برای ایران |
| Vansieleghem (۲۰۱۴) | فلسفه برای کودکان چیست؟ از یک آزمایش آموزشی تا آموزش تجربی |
| واعظ شهرستانی (۱۳۹۲) | نقد و تحلیل برنامه درسی پایه پنجم و ششم فلسفه برای کودکان (داستان کشف هاری استاتلمیر و راهنمای آموزشی آن تحت عنوان کاوشگری فلسفی) |
| حاتمی و همکاران (۱۳۹۱) | بررسی تاثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش هوش هیجانی دانش-آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزاد تهران در سال تحصیل ۸۸-۸۹ |
| علوی (۱۳۹۱) | بررسی عناصر برنامه آموزش فلسفه به کودکان در دوره پیش از دبستان |
| Kim (۲۰۱۲) | فلسفه برای کودکان |
| سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۹۰) | اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به دانش‌آموزان دختر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آن‌ها |
| حسینی و حسینی (۱۳۹۰) | بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی |
| ستاری (۱۳۹۰) | بررسی و نقد فلسفه برای کودکان بر اساس مبانی فلسفی تربیت اسلامی |
| یاری دهنوی و حاتمی (۱۳۹۰) | تبیین و نقد پژوهش‌های دانشگاهی آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آن‌ها |
| قائدی و دیباواجاری (۱۳۹۰) | پیشنهاد چارچوبی برای ارزشیابی برنامه درسی فلسفه برای کودکان |
| ناجی و همکاران (۱۳۹۰) | بررسی و تحلیل برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با نظر به میزان ابتدایی آن بر پراگماتیسم دیویی |
| نقدعلی و پناهی (۱۳۹۰) | ارتباط اجتماع پژوهی در برنامه فلسفه برای کودکان با روش های تدریس فعال و مشارکتی |
| صابری نجف‌آبادی (۱۳۹۰) | آموزش فلسفه به کودکان در موزه های تعاملی علم |
| Barrow (۲۰۱۰) | گفت و گو، مشارکت و توان بالقوه فلسفه برای کودکان |
| فخرایی (۱۳۸۹) | فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه |
| قائدی (۱۳۸۸) | برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره راهنمایی و متوسطه |
| سجادیان (۱۳۸۸) | طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی |
| شریفی نسب (۱۳۸۸) | فلسفه ادبیات کودک و فلسفه در ادبیات کودک؛ تضاد یا تعامل |
| مرعشی و همکاران (۱۳۸۷) | امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی |
| سلیمانی ابهری (۱۳۸۷) | آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت رسمی |
| مرعشی (۱۳۸۵) | بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز |
| امی و فرامرزق‌راملکی (۱۳۸۴) | مقایسه سبک‌های لیپمن و برنی فیر در فلسفه برای کودکان |

| | |
|--|--|
| تعامل خوب با معلم و کودک و بازی مستقل در کودکان پیش دبستانی | Trawick-Smith, Dziurgot (۲۰۱۱) |
| دوران کودکی، تحصیلات و فلسفه | Kohan (۲۰۱۱) |
| معنی ساخت و خود ارزیابی | Kottalil (۲۰۰۹) |
| بحث فلسفی در کلاس درس ابتدایی: نظریه، آموزش، تحقیق | Reznitskaya (۲۰۰۸) |
| بنیاد آمریکایی برای پیشرفت آموزش فلسفه به کودکان | Hanna (۲۰۰۷) |
| شرکت در کلاس درس برنامه درسی خلافاً | Jessica (۲۰۰۷) |
| تحقیق فلسفی؛ بررسی وضعیت اجتماعی و عاطفی کودکان ۱۱ تا ۱۲ سال | Trickey, Topping (۲۰۰۷) |
| تظاهر به بازی و پرورش استعداد جمعی | Tummolini, Castelfranchi, Rakoczy (۲۰۰۶) |
| فلسفه برای کودکان و رشد اخلاقی در هند | Mehta, Whitebeard (۲۰۰۵) |
| فلسفه برای کودکان | Sanjana, Whitebread (۲۰۰۵) |
| فلسفه برای کودکان | Hymer (۲۰۰۲) |
| کودکان به عنوان فیلسوفان | Haynes (۲۰۰۲) |
| فلسفه برای کودکان در میانه سال تحصیلی: مطالعه موردی کودکان هفت سال | Leckey (۲۰۰۱) |
| باشگاه فلسفه: یک ماجراجویی در تفکر | Sutcliffe, Williams (۲۰۰۰) |
| فلسفه به مدرسه می‌رود | Limpan (۱۹۸۸) |
| فلسفه در کلاس درس | Limpan (۱۹۸۰) |
| ذهن و جامعه: رشد فرآیندهای ذهنی بالاتر | Vygotsky (۱۹۷۸) |
| تفکر و زبان | Vygotsky (۱۹۶۲) |
| منطق: نظریه تحقیق در خلاقیت | Dewey (۱۹۳۸) |

پس از آن کدگذاری و طبقه بندی اطلاعاتی که از پژوهش های مورد بررسی به دست آمده است انجام شد و الگوها، پایه های نظری و مضامین اصلی استخراج شد. این کار به وسیله ی کدگذاری محوری با مرتب کردن، درآمیختن و سازماندهی انبوهی از داده ها انجام می شود.

چهار معیار قابلیت اعتماد باورپذیری؛ اطمینان پذیری؛ تاییدپذیری؛ انتقال پذیری (محمدپور، ۱۳۹۲) بدین شرح مورد توجه قرار گرفت، پژوهشگر برای دستیابی به معیار "باورپذیری"، روش "توصیف توسط همتایان" را مورد استفاده قرار داد که در این زمینه پژوهشگر با ۳ نفر از دانشجویان مقطع دکترا که از این روش استفاده کرده بودند، ارتباط

برقرار کرد و بخش‌هایی از تحلیل‌ها در اختیار آنان قرار گرفت تا آن‌ها نیز کدگذاری کنند. در واقع هدف این بود که از صحت روند کدگذاری پژوهشگر و نیز عدم سوگیری در تحلیل‌های ابتدایی آگاهی یابد. به منظور برآورد معیار دوم یعنی "انتقال‌پذیری"، روش "نمونه-گیری هدفمند"، مورد استفاده قرار گرفت که بر مبنای این روش در ابتدا با مقاله‌ای که به عنوان هسته در هریک از گروه‌های مورد مطالعه شناسایی و سپس از طریق آن به سایر مقالات دست یافت. در مورد معیار سوم یعنی "اطمینان‌پذیری"، از روش "کفایت اجماعی" استفاده شد. به این ترتیب که در جلسه‌ای با حضور استاد راهنما و یکی از اساتید مشاور، جلسه‌ای درباره روند انجام پژوهش ارائه شده و بازخوردهایی جهت بهبود کار در مورد طراحی چهارچوب تئوریک کشف شده، دریافت شد. در مورد معیار چهارم که "تاییدپذیری" است، روش "نگارش یادداشت‌های تأملی" استفاده شد. این یادداشت‌ها که بیانگر یادداشت‌های شخصی پژوهشگر در حین کار است، هدفش، آگاهی یافتن از تعصباتی بود که ممکن است ناآگاهانه در نوشتن و تحلیل‌های پژوهشگر اتفاق افتاده باشد و احتمال این که آن‌ها بر نتایج پژوهش تأثیر گذارد وجود داشت.

۳. یافته‌ها

۱.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه اهدافی را برای آموزش فبک ارائه می‌دهد؟

به منظور پاسخ به این پرسش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای منابع در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲: اهداف برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان

| اهداف | کدها | تحقیقات |
|----------------------|--------------------|----------------------------|
| رشد مهارت‌های شناختی | بهبود توانایی تعقل | سجادیان (۱۳۸۸) |
| | آموزش روش فکر کردن | قائدی (۱۳۸۸) |
| | طبقه بندی | Limpan (۱۹۸۸) |
| | کشف روابط | Kottalil (۲۰۰۹) |
| | اندیشه‌ورزی | حاتمی و همکاران (۱۳۹۱) |
| | رشد عقلی | Hanna (۲۰۰۷) |
| | رشد تفکر منطقی | امیریان (۱۳۹۶) |
| | پرورش تفکر انتقادی | D'Olimpio, Teschers (۲۰۱۶) |

| | | |
|--------------------------------|-------------------------------------|--|
| | استدلال مفهومی | Hymer (۲۰۰۲) |
| | درک نظری و عملی فرایند حل مسئله | Dewey (۱۹۳۸) |
| | تسهیل شناخت و یادگیری پایدار | ستاری (۱۳۹۵) |
| پرورش مهارت های اجتماعی | آموزش فرایند تصمیم گیری دموکراتیک | Haynes (۲۰۰۲) |
| | رشد میان فردی | Limpan (۱۹۸۰) |
| | برابری اجتماعی | قبادیان (۱۳۹۴) |
| | رشد استدلال اجتماعی | Sanjana, Whitebread (۲۰۰۵) |
| | همکاری با دیگران | سجادیان (۱۳۸۸) |
| | رعایت مقررات اجتماعی | سجادیان (۱۳۸۸) |
| | تربیت شهروند محلی، ملی و جهانی | سروش (۱۳۹۶) |
| | دوست یابی | یاری دهنوی و حاتمی (۱۳۹۰) |
| | نظم و مسئولیت پذیری | Barrow (۲۰۱۰) |
| | مشارکت گروهی | قبادیان (۱۳۹۴) |
| | پرورش حس زیبایی شناسی | پرورش ارزش های هنری |
| پرورش خلاقیت | | Limpan (۱۹۸۰) |
| توجه به هنرمندی و زیبایی شناسی | | Bialystok (۲۰۱۷) |
| رشد تخیل | | Bialystok (۲۰۱۷) |
| بیان احساسات | | Barrow (۲۰۱۰) |
| پرورش ارزش های اخلاقی | پرورش درک اخلاقی | Limpan (۱۹۸۰) |
| | احترام به دیگران | Gorard et al (۲۰۱۷) |
| | توسعه قضاوت اخلاقی | جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵) |
| | تحمل و مدارا | Tummolini, Castelfranchi, Rakoczy (۲۰۰۶) |
| | بهبود و افزایش میزان هوش اخلاقی | بدری گرگری و واحدی (۱۳۹۴) |
| | قناعت به حق خود و رعایت حقوق دیگران | سجادیان (۱۳۸۸) |
| | خود اصلاحی | Kottalil (۲۰۰۹) |
| پرورش ابعاد روانی و عاطفی | پرورش خودآگاهی | Haynes (۲۰۰۲) |
| | پرورش توانایی مفهوم یابی در تجربه | Limpan (۱۹۸۰) |
| | افزایش اعتماد به نفس | سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۹۰) |
| | ابراز احساسات و عواطف | شمسیان (۱۳۹۵) |
| | همدلی | Fisher (۲۰۰۲) |
| | مهربانی و محبت | مرعشی و همکاران (۱۳۸۷) |
| | دوستی | مرعشی (۱۳۸۵) |

| | | |
|-------------------------------------|--|-----------------------|
| رشد مهارت‌های زبانی و زبان آموزی | تلفظ صحیح کلمات، افزایش خزانه لغات، خوب سخن گفتن و شنونده خوب بودن، ساکت بودن در هنگام سخنرانی دیگران، استفاده بجا از کلمات در موقعیت‌های متفاوت، مفهوم یابی، خواندن و نوشتن | Green, Condy(۲۰۱۶) |
| پرورش آگاهی‌های فرهنگی | پرورش روحیه پژوهشگری بین فرهنگی | جعفری و همکاران(۱۳۹۴) |
| | آشنا شدن با داستان‌های بومی | حسینی و حسینی(۱۳۹۰) |
| | شناخت میراث فرهنگی | قائدی(۱۳۸۸) |
| | فهم آداب و رسوم | ناجی و همکاران(۱۳۹۰) |

بر مبنای جدول ۲، فلسفه برای کودکان بدنبال پرورش و تقویت اهداف شناختی، اجتماعی، زیبایی‌شناسی، اخلاقی، روانی و عاطفی، پرورش حس، زبانی و زبان آموزی و آگاهی‌های فرهنگی می‌باشد.

۲.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه محتوایی را برای آموزش فبک مطرح می‌کند؟

به منظور پاسخ به این پرسش و نیز رسیدن به اهدافی که در پرسش اول مطرح شد محتوایی در قالب جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳: محتوای برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان

| اهداف | محتوا | تحقیقات |
|----------------------------|---------------------------------|---|
| رشد مهارت‌های شناختی | داستان‌های فلسفی | Azemat Madar Fard et al(۲۰۱۶)، صادقی هاشم آبادی و علوی(۱۳۹۳)، حسینی و حسینی(۱۳۹۰)، Limpan(۱۹۸۳) |
| | اخبار روزنامه‌ها | قائدی(۱۳۸۸) |
| | متون کتاب‌های بزرگ | ستاری(۱۳۹۰) |
| | معماهای علمی کودکانه | یاری دهنوی(۱۳۹۵) |
| پرورش مهارت‌های اجتماعی | شعرهای اجتماعی و تعلیمی | شریفی نسب(۱۳۸۹)، قائدی(۱۳۸۸)، سلیمانی ابهری(۱۳۸۷)، لیپمن(۱۹۹۱)، Limpan(۱۹۸۸) |
| | داستان‌های مرتبط با زندگی واقعی | Murris(۲۰۱۶) |
| | مکالمه کنش آفرین | Reznitskaya(۲۰۰۸) |
| | قوانین | Fisher(۱۳۹۶) |
| پرورش حس | موسیقی | Fisher(۱۳۹۶)، ناجی(۱۳۹۰)، قائدی(۱۳۸۸)، Limpan(۱۹۸۳) |

| | | |
|----------------------------------|---|---|
| زیبایی‌شناسی | نمایش نامه‌های تخیلی و مبتنی بر خلاقیت | اسماعیل زاده و کرمی (۱۳۹۴)، قائدی (۱۳۸۸) |
| پرورش ارزش‌های اخلاقی | مضامین اخلاقی موجود در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی | براتی (۱۳۹۶)، ستارپناهی و برخوردار (۱۳۹۶)، یوسفی (۱۳۹۵)، ماهرزاده و تجری (۱۳۹۴)، اکبری و همکاران (۱۳۹۱) |
| | ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی | قائدی (۱۳۸۸)، ناجی و همکاران (۱۳۹۰) |
| | حکمت حکیمان و فیلسوفان | برخوردار (۱۳۹۴) |
| پرورش ابعاد روانی و عاطفی | رمان‌های فلسفی | قائدی و سلطانی (۱۳۹۶) |
| | مرور فیلم‌های حاوی محتوای عاطفی و مثبت | قائدی (۱۳۸۸) |
| رشد مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی | کتاب‌های داستان منطقی دارای متن ساده به پیچیده | Green, Condy (۲۰۱۶) |
| پرورش آگاهی‌های فرهنگی | داستان‌های بومی - محلی | حسینی و حسینی (۱۳۹۰) |
| | اطلس مصور میراث فرهنگی | قائدی (۱۳۸۸) |

با توجه به اطلاعات کسب شده ۱۸ کد فوق در قالب هفت طبقه می‌توانند محتوای برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان باشند. نکته‌ای که باید در این عنصر توجه شود آن است که برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره کودکی با توجه به نیازها و استعداد‌های کودکان طراحی می‌شود؛ و با توجه به اینکه کودکان خیلی در خواندن و نوشتن تسلط ندارند، لذا مواد و محتوایی به کار برده می‌شود که کودکان بتوانند از آنها به تنهایی و بدون کمک معلم نیز استفاده کنند و در آنها ایجاد انگیزه کند؛ یعنی مواد و محتوای آموزشی در این دوره براساس توانایی‌ها و ناتوانی‌های کودک می‌باشد. نکته اصلی در همه موارد توصیه شده این است که سؤالات کودکان است که ادامه بحث را شکل می‌دهد و مربی صرفاً نقش راهنما و تسهیل کننده بحث را دارد.

۳.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های یاددهی-یادگیری را برای آموزش

فبک معرفی می‌کند؟

به منظور پاسخ به این پرسش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای منابع در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول ۴: روش‌های یاددهی - یادگیری آموزش فلسفه برای کودکان

| اهداف | کدها | تحقیقات |
|----------------------------------|---|--|
| رشد مهارت‌های شناختی | بحث گروهی | سجادیان و همکاران (۱۳۹۳) |
| | تفحص گروهی | |
| | مداخله راوی | |
| | پرسش و پاسخ | |
| | توضیحی | کار و همکاران (۱۳۹۳) |
| | روایت‌گری | شاه نعمتی و همکاران (۱۳۹۶) |
| | بارش مغزی | سجادیان و همکاران (۱۳۹۳) |
| پرورش مهارت‌های اجتماعی | همیاری از طریق تدریس اعضای تیم | تاجداری (۱۳۹۵) |
| | حل مسئله | Kottalil (۲۰۰۹) |
| | اجتماع پژوهشی | مرعشی (۱۳۸۵) |
| | گفتگو با همسالان و مباحثه هوشیارانه | Tummolini, Castelfranchi, Rakoczy (۲۰۰۶) |
| | پرسشگری | Jessica (۲۰۰۷) |
| | مشارکت دادن کودکان در تعامل‌های اجتماعی | Vygotsky (۱۹۶۲) |
| | جست و جوی علت | Vygotsky (۱۹۷۸) |
| پرورش حس زیبایی‌شناسی | بخش موسیقی‌های آرامش بخش | فخرایی (۱۳۸۹) |
| | روش‌های چالشی | Kim (۲۰۱۲) |
| | بدیعه‌پردازی | نقدعلی و پناهی (۱۳۹۰) |
| | کاوشگری | واعظ شهرستانی (۱۳۹۲) |
| پرورش ارزش‌های اخلاقی | متن خوانی کودکان، خلق سؤال، برقرارکردن ارتباط بین سوال و کودک، انتخاب یک سؤال برای ادامه تفکر و بحث، پاسخ دادن کودکان به سؤال‌ها، نوشتن جواب‌ها و بحث‌ها روی تخته، مرور، بحث و جمع‌بندی | Haynes (۲۰۰۲) |
| | گفتگوی آزاد فلسفی | Fisher (۲۰۰۲) |
| | الگویی | یاری دهنوی و حاتمی (۱۳۹۰) |
| | تمرین آموزشی | Riku et al (۲۰۱۶) |
| پرورش ابعاد روانی و عاطفی | رمان خوانی | ایمانی و همکاران (۱۳۹۴) |
| | حلقه کندوکاو | ناجی (۱۳۹۰) |
| | گفتگوی نظامند | Barrow (۲۰۱۰) |
| | نقد فیلم | Vansieleghem (۲۰۱۴) |
| رشد مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی | پژوه‌های مبتنی بر یادداشت نویسی (واحد کار) | Kohan (۲۰۱۱) |

جدول ۵: روش‌های ارزشیابی آموزش فلسفه برای کودکان

| اهداف | کدها | تحقیقات |
|---|--|----------------------------|
| رشد مهارت‌های شناختی پرورش مهارت‌های اجتماعی پرورش حس زیبایی‌شناسی پرورش ارزش‌های اخلاقی پرورش ابعاد روانی و عاطفی رشد مهارت‌های زبانی و زبان آموزی پرورش آگاهی‌های فرهنگی | توصیفی | مرعشی و همکاران (۱۳۸۷) |
| | خودارزیابی | Sutcliffe, Williams (۲۰۰۰) |
| | ثبت گزارش | Leckey (۲۰۰۱) |
| | مشورت با والدین در زمینه پیشرفت‌های فکری دانش‌آموزان | فائدی و دیباواجاری (۱۳۹۰) |
| | مشاهده معلم | علوی (۱۳۹۱) |
| | شفاهی | صباغ حسن زاده (۱۳۹۴) |
| | فرایندمحور | Murris (۲۰۱۶) |

با توجه به اطلاعات کسب شده ۷ کد فوق در طبقه روش‌های ارزشیابی مرتبط با توجه به تجمیع نتایج تحقیقات جای گرفتند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ارزشیابی از برنامه آموزش فلسفه به کودکان در این دوره به صورت کیفی و تکوینی می‌باشد و همین‌که کودکان بتوانند در بحث‌ها و کلاس‌های آموزش فلسفه شرکت فعال داشته باشند کافی می‌باشد و تشخیص اینکه آیا کودکان شرکت فعال داشته‌اند یا نه بر عهده خود مربی و معلم است که با توجه به تفاوت‌های فردی و شناختی که از فراگیران خود دارد صورت می‌پذیرد. علاوه بر استفاده از روش خودارزیابی، مربیان و معلمان می‌توانند اثربخشی این برنامه را از طریق شفاهی و نیز تهیه پرسشنامه‌هایی مبنی بر پرسشگری، تفکر جمعی، سؤالات انتقادی کودکان و استدلال‌پذیری کودکان در این دوره که توسط والدین فراگیران تکمیل می‌گردد ارزیابی کنند. فرایند محور بودن هم به صورت درجه‌بندی از کلیه کارهایی که در مراحل مختلف توسط کودک انجام می‌شود صورت می‌پذیرد و قضاوت کیفی از مجموعه فرایندهای آموزشی صورت گرفته و هدف اصلی آن علاوه بر اصلاح و بهبود و تجدید نظر در فعالیت‌ها، تقویت حس کنجکاوی و تقویت فکر و عمل کودکان و اصولاً تشویق آنان و ایجاد آمادگی برای آموزش‌های پیچیده بعدی است. نکته آخر این‌که ارزشیابی مداوم و فرایندی باید از طریق مشاهده رفتار کودک و پاسخ‌های او به هنگام فعالیت‌های مختلف صورت گیرد.



شکل ۱: الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان

همان طور که مشاهده می شود بنای اصلی الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر منطق راف تایلر (Ralph Tyler) و عناصر پیشنهادی او بوده است. دلیل برگزیدن چنین منطقی "قدمت"، "سادگی"، "شفافیت"، "مرحله‌ای بودن"، "تطبیق با دانش عملی معلمان و تسهیل گران ایرانی" و نیز "متمركز بودن نظام آموزشی ایران" بوده است. البته منطق تایلر

دارای مشکلاتی نیز هست که محققان سعی کرده‌اند با طراحی خاص موارد جزئی درون هر عنصر از آن مشکلات پرهیز کرده و به سوی تعدیل معایب گام بردارند. در توضیحی دقیق‌تر باید گفت که هر چند اساس کار تایلری است اما اصالت خروجی عناصر فلسفه برای کودکان بر الگوهای نوین برنامه‌درسی و آموزش بوده است به طوری که رد پای سازنده‌گرایی (Constructivism) به عنوان نظریه‌ای در یادگیری و نیز نوفهم‌گرایی (Reconceptualism) به عنوان نظریه‌ای سنت‌گریز در برنامه‌درسی کاملاً مشهود است.

اولین عنصر در الگوی پیشنهادی اهداف است. اهداف آموزشی، اساس هر آموزش اثربخش را تشکیل می‌دهند. مادام که اهداف آموزشی تعیین نشده‌اند، نمی‌توان دوره را به طور منظم و مدون طراحی کرد تا به نتایج مورد نظر رسید (امیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۷-۱۱۸). در این راستا در فرایند آموزش فلسفه به کودکان اهداف هفت‌گانه را می‌توان وضع نهایی و مطلوبی تلقی کرد که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌پذیرد (پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶).

دومین عنصر این الگو محتوا می‌باشد. محتوای برنامه‌درسی در بردارنده دانش‌ها، مهارت‌ها، فرآیندها و ارزش‌ها است (ملکی، ۱۳۹۱)، که دانش‌آموز در ضمن آموزش یا در فرآیند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (نوریان، ۱۳۸۷). انواع محتوای توصیه شده در الگو از زوایای مختلف، اعم از نوع مضامین و مفاهیم مورد استفاده، چگونگی سازمان‌دهی، اهمیت و ارزش مطلب، تناسب محتوا با جنبه‌های مختلف رشد یادگیرنده و بالاخره، نوع اثری که بر یادگیرنده می‌گذارد، قابل بحث و اهتمام جدی است (ملکی، سلیمی، ۱۳۹۴).

سومین عنصر در الگوی برنامه‌درسی فبک روش‌های یاددهی - یادگیری بود. هنگامی که از تدریس یا نحوه آموزش برنامه‌درسی صحبت می‌شود، منظور پیش‌بینی برخی از شرایط اجرای برنامه‌درسی است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزان درسی فبک با استفاده از ۳۳ روش تدریس نحوه اجرای برنامه‌درسی را توسط مربی پیش‌بینی یا تعیین می‌کنند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸).

آخرین عنصر الگوی پیشنهادی آموزش فبک روش‌های ارزشیابی است. ارزشیابی فعالیت نظام‌داری است که ضمن فراهم نمودن ملاک‌هایی برای ارزش‌گذاری، به تهیه اطلاعاتی درباره پدیده یا موضوع ارزشیابی اقدام می‌کند و با مقایسه این دو دسته اطلاعات

از سودمندی و ارزش موضوع یا پدیده خبر می‌دهد (موسی پور، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر هفت روش ارزشیابی توصیه شده سیمایی از وضعیت فعلی ترسیم می‌کند و فاصله آن را با وضعیت مطلوب نشان می‌دهد.

البته مذاقه در مبانی نظری و نیز سوابق پژوهشی، توجه به عنصری مهم همچون محیط را نیز برای برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ضروری می‌نمایاند. عنصر محیط می‌تواند در همه عناصر الگوی پیشنهادی و در هر مرحله‌ای اثرات مشتقیم و غیرمستقیم خود را بگذارد و به عنوان مکمل ویژه‌ای تسهیل‌کننده آموزش تلقی شود. لذا در ادامه به جزئیات آن اشاره گردد. در این باره قانیدی (۱۳۸۸: ۸۳-۱۰۸) اعتقاد دارد که محیط اجرای چنین برنامه‌ای باید ضمن غنی بودن و داشتن جوی آرام زمینه ساز تعامل و گفتگوی میان دانش‌آموزان نیز باشد به گونه‌ای که بتوانند به مرحله کشف رابطه میان پدیده‌ها برسند. تراویک اسمیت و زورگوت (Trawick-Smith, Dziurgot, 2011:110-123) هم بر فراهم‌سازی محیطی اذعان دارند که بتواند تسهیل‌گر بازی شود تا از درون بازی مفاهیم فلسفی توسط دانش‌آموزان یاد گرفته شود. صابری نجف‌آبادی (۱۳۹۰: ۷۲-۵۲) هم معتقد است که تحقق اهداف آموزش فلسفه به کودکان با حضور در محیطی فعال مانند موزه‌های تعاملی علم و همراه با ابزار کمک آموزشی و دستگاه‌های تعاملی و در محیطی بانشاط و دل‌انگیز در ضمن تفریح و سرگرمی کودکان امکانپذیر است. فیشر (Fisher, 1396) بر وجود محیط آموزشی خودراهبر و فعال تأکید می‌کند. وانزیگلم (Vansieleghe, 2014:1300-1311) از مکان‌های اصیل و طبیعی و دستکاری آن توسط دانش‌آموزان به عنوان جایگاه آموزش فلسفه به کودکان نام می‌برد. وسیع بودن محل گفتگوی فلسفی دانش‌آموزان هم ویژگی دیگری است که ریکو و همکاران (Riku et al, 2016:79-92) بر آن تأکید می‌کنند. چالش‌برانگیزی و تهییج هیجانات دانش‌آموزان هم ویژگی‌ای دیگر محیط آموزش فلسفه به کودکان است که توسط کیم (Kim, 2012:25-28) طرح شده است. در انتها سجادیان (۱۳۸۸) و جسیکا (Jessica, 2007) اقدام به معرفی محیط آموزشی پیگیرانه و فراهم‌کننده ساخت دانش‌مشارکتی در فلسفه برای کودکان می‌نمایند. خلاصه ویژگی‌های محیط برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در جدول شماره ۶ قابل مشاهده است:

جدول ۶: ویژگی‌های محیط آموزش فلسفه برای کودکان

| تحقیقات | کدها |
|--------------------------------|--|
| Kim (۲۰۱۲) | چالش برانگیزی و تهییج هیجانات |
| صابری نجف‌آبادی (۱۳۹۰) | بانشاط و دل‌انگیز بودن |
| Vansieleghem (۲۰۱۴) | اصیل و طبیعی بودن |
| Riku et al (۲۰۱۶) | وسیع بودن |
| قاندی (۱۳۸۸) | غنی بودن |
| Fisher (۱۳۹۶) | دارا بودن شرایط ایجاد یادگیری خودراهبر و فعال |
| Trawick-Smith, Dziurgot (۲۰۱۱) | تسهیل‌گر بازی بودن |
| Jessica سجادیان (۱۳۸۸)، (۲۰۰۷) | محیط آموزشی پیگیرانه و فراهم‌کننده ساخت دانش مشارکتی |

محیط زمینه ساز طراحی و اجرای مطلوب آموزش فلسفه به کودکان

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش در راستای طراحی الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان بر اساس سنتز پژوهی تحقیقات مرتبط انجام شد. از این رو محققان با مطالعه پژوهش‌هایی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به چهار عنصر اصلی برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان که شامل: اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و روش‌های ارزشیابی و نیز یک عنصر جانبی اما اثرگذار به نام محیط آموزشی بودند، به طراحی الگوی ترکیبی و مفهومی پرداختند. در بخش نتیجه‌گیری چند نکته را می‌توان در رابطه با کلیت الگوی پیشنهادی و نیز برخی جزئیات پیرامون آن تبیین نمود؛

اولین نکته حائز اهمیت این است که دشواری مباحث فلسفی به معنای خاص آن مانع از پرداختن به فلسفه، به معنای تفکر و اندیشه ورزی نیست. برنامه‌درسی موجود در این پژوهش به پرورش و تقویت انواع مهارت‌های اندیشیدن و تفکر از سنین کودکی می‌پردازد. سنینی که برای یادگیری مهارت‌های زندگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اهداف این برنامه قابلیت اجرا در فضاهای مختلف آموزشی را داشته و دارای اثرات بسیار مهم تربیتی و اخلاقی است.

دومین نکته آن است که تأکید عمده برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر محتوای برگرفته از فرهنگ و آداب و رسوم موجود در بافت بومی دانش‌آموزان است و سنن هر قوم و جامعه به شدت در تعیین محتوا مؤثر می‌باشد. این نوع محتوا گزینی کاری است که در سال‌های گذشته نیز با اقدامات هر چند اندک اما مفید از سوی ستارپناهی و برخورداری (۱۳۹۶: ۱۱-۲۶)، عظمت مدار فرد و همکاران (۲۰۱۶)، شمسیان (۱۳۹۵) و ماهر وزاده و تجری (۱۳۹۴: ۵-۲۶) در پیش گرفته شده است.

سومین نکته قابل توجه این است که برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر این ایده مبتنی است که کودکان قابلیت‌ها و توانایی‌های استدلال و دانش خود را در یک اجتماع می‌سازند. لذا همان طور که در عنصر روش‌های یاددهی-یادگیری تبیین گردید نقش معلمان آماده کردن دانش برای بلعیده شدن به وسیله کودکان نیست، بلکه تدارک مدلی از متفکر مجرب و تضمین حفظ تفکر سطح بالا در کلاس است (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۳۸).

نکته چهارم که جایگاهش در روش‌های یاددهی-یادگیری می‌باشد این است که جدا نمودن فلسفه برای کودکان از جهان تربیت هیچ وجهی ندارد. مهم‌ترین پیامد این باور این است که یک استاد فلسفه، که تاریخ فلسفه یا فلسفه ورزی آموزش می‌دهد، برای «با کودک بودن» از آن جهت که صرفاً فلسفه‌دان یا فلسفه‌ورز است، کفایت لازم را ندارد مگر اینکه بر «ماهیت تربیتی» این ارتباط آگاه باشد.

نکته پنجم این که در الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ارزشیابی عنصری اساسی است که مشخص کننده فاصله میان اهداف قصد شده و کسب شده می‌باشد. آن چه در این پژوهش به آن اشاره شد این بود که روش‌های ارزشیابی باید همسو با اهداف باشند چرا که یک روش ارزشیابی مرسوم و واحد به هیچ وجه توان ارزیابی دقیق و مطلوب همه نوع هدفی را ندارد. البته باید به این حقیقت هم توجه نمود که هدف از ارزشیابی تأیید یا عدم تأیید نیست بلکه بهبود است. منظور محققان که همسو با رستگار (۱۳۸۳) هم می‌باشد این است که ارزیابی باید در خدمت بهبود یادگیری باشد و به عمق بخشی و ثبات دهی مفاهیم فلسفی در یادگیرندگان کمک قابل توجهی نماید. تسهیل‌گر (معلم) همواره باید از خود این سؤال را بپرسد که در میدان مسابقه فهم فلسفی میان کودکان من در کجا ایستاده‌ام؟ آیا آن داوری هستم که با زدن سوت آغاز مسابقه را اعلام می‌کنم یا آن که در پایان خط، پرچم را فرود می‌آورد تا نقطه پایان و ختم همه چیز را

نشان دهد و برنده را با بالا بردن دست به دیگران نشان دهد. باور محققان پژوهش حاضر این است که تسهیل گر نه این است و نه آن، او نه آغازگر فرایند یادگیری کودک است، که او خود از بدو تولد یادگیری فلسفی و شناخت جهانی را که به آن وارد شده است آغاز می‌کند، و نه ختم کننده آن، که کنجکاوی آدمی برای آموختن تا دم مرگ او را رها نمی‌کند، او تسهیل گر آن دونده ای است که در مسیر راه با او می‌دود، نفس نفس می‌زند، تشنگی او را رفع می‌کند، سنگریزه‌ها را از جلوی پایش بر می‌دارد، نقاط قوت و ضعفش را در زمان دویدن ارزیابی می‌کند تا بداند نیازمند چه کمکی است. در این فرایند اگر دونده نتواند به خط پایان هم برسد، تسهیل گر در مسیر مسابقه به او چنان اعتماد به نفسی می‌دهد که بدون تردید دوباره دویدن را آغاز خواهد کرد، اما این بار آماده تر و به شیوه‌ای دیگر. برای این که دانش‌آموزان، یعنی دونده‌های این میدان بزرگ فلسفی، همواره توان دویدن را در خود حفظ کنند، باید وحشت نرسیدن به خاطر پایانی در لحظه موعود و از پیش تعیین شده را از آن‌ها دور نمود، و مسابقه دو انفرادی را به مسابقه گروهی تبدیل کرد که در آن هر فرد برنده بودن خود را در گرو موفقیت هم گروه‌هایش می‌بیند و نگرش "برخاستن من در گروه زمین خوردن دیگران است" را به باور "همه با هم نجات پیدا می‌کنیم یا همه با هم غرق می‌شویم" تبدیل شود.

نکته آخر مربوط به محیط یادگیری است و حاوی این مطلب می‌باشد که تسهیل گر محیط سنتی را که بدون توجه به هویت فلسفی کلاس و بدون توجه به تفاوت‌های فردی و بین فردی است را رها کند و به دنبال ایجاد محیطی باشد که توانایی‌های دانش‌آموز را شناسایی کرده و به او اعتماد به نفس بخشد و بر این باور عمل کند که آموزش و محیط آموزشی دی هم تنیده اند. تأکید مقاله حاضر بر این است که محیط آموزش فلسفه به کودکان باید خواهان فرهنگ فعال بودن و موفقیت طلبی باشد تا در گرو آن عنصر اهداف حاصل شده، محتوا سازماندهی گشته و روش‌های تدریس به خوبی به اجرا در آمده و روش‌های ارزشیابی نیز منطقی‌تر گردد.

با توجه به همه موارد مذکور، پیشنهاد محققان این است که کنشگران عرصه آموزش فلسفه به کودکان به صورتی متوازن، متعادل و زنجیره‌ای وار به اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری، روش‌های ارزشیابی و نیز شرایط محیط آموزشی معرفی شده توجه نمایند تا نوعی نگرش سیستمی و معرفتی بر فرایند فلسفیدن و فلسفه ورزی کودکان حاکم گردد. البته این حاکمیت می‌تواند به دو صورت متجلی گردد نخست این که برنامه

فبک به صورت واحد درسی کاملاً مجزا و مستقل در برنامه درسی کودکان قرار گیرد و دوم به صورت دمیدن روح فلسفی و استدلالی در کل برنامه درسی. اگر رویکرد نخست مدنظر باشد یک نیاز عمده شکل خواهد گرفت و آن برنامه درسی جدید است که مختصات آن به خوبی در پژوهش حاضر معرفی شد. اما اگر رویکرد اول که تدبیر خوبی برای مواجهه با ناکامی‌های استدلالی کودکان بود میسر نشد می‌توان از طریق گفتگوهای کلاسی، روش فلسفی، یعنی روش تحلیلی و منطقی را به کودکان آموزش داد. بنابراین در رویکرد دوم فلسفه آموزشی در کنار سایر آموزش‌ها نیست، بلکه زمینه‌ای برای رشد مهارت‌های فکری و استدلالی در تمامی دروس برنامه درسی می‌باشد.

کتابنامه

- اسمعیل‌زاده، تیمور، کرمی، آزاد الله (۱۳۹۴). «اجرای چند رسانه‌ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی»، فصلنامه تفکر و کودک، سال ششم، شماره ۲، صص ۱-۲۱.
- امی، زهرا، فرامرزماملکی، احد (۱۳۸۴). «مقایسه سبک‌های لیپمن و برنی فیر در فلسفه برای کودکان»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال اول، شماره ۲، صص ۷-۲۳.
- امیریان، توران (۱۳۹۶). «مقایسه اثر بخشی روش‌های مختلف آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم.
- امیری، مهدی، پرتابیان، اکبر و امیری، زهره (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی عوامل و عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی با قرآن کریم»، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۸.
- ایمانی، معصومه، تاجبخش، فرزانه (۱۳۹۴). روش تدریس فلسفه و کودک. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- بدری گرگری، رحیم، واحدی، زهرا (۱۳۹۴). «تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر»، دوفصلنامه تفکر و کودک، سال ششم، شماره ۱، صص ۱-۱۸.
- براتی، مرتضی (۱۳۹۶). «ظرفیت بالای متون کهن ادب فارسی برای بومی سازی منابع فلسفه و کودک»، دوفصلنامه فلسفه و کودک، سال ۸، شماره ۱، صص ۵-۱۸.
- برخورداری، زینب (۱۳۹۴). «تولید محتوای فلسفه و کودک»، دوفصلنامه فلسفه و کودک، سال سوم، شماره ۱، صص ۳-۱۶.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۶). در آمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. جلد اول. تهران: سمت.

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان ... ۱۴۳

تاجداری، محمدحسن (۱۳۹۵). مقایسه‌ی تاثیر روش تدریس همیارانه با روش کاوشگری بر خلاقیت دانش‌آموزان پسر در درس علوم تجربی پایه‌ی سوم ابتدایی منطقه‌ی چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.

جعفری، زهره، صمدی، پروین و قائدی، یحیی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی»، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال دوم، شماره ۱۷، صص ۴۱-۴۹.

جلیلیان، سهیلا، عظیم پور، احسان و جلیلیان، فریبا (۱۳۹۵). «اثر بخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان»، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، سال هشتم، شماره ۴، صص ۸۰-۱۰۰.

جناب‌زاده رودباری، مریم، انصاریان، فهیمه و نادری، عزت‌اله (۱۳۹۵). «بررسی نقش برنامه آموزش فلسفه برای کودک (P4C) بر کاهش برون‌ریزی و درون‌ریزی خشم در دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه مدارس دولتی منطقه ۱۴ شهر تهران»، فصلنامه پژوهش‌نامه تربیتی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۲۱-۴۶.

حاتمی، حمیدرضا، کریمی، یوسف و نوری، زهرا (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزاد تهران در سال تحصیل ۸۸-۸۹»، فصلنامه تفکر و کودک. سال اول، شماره ۲، صص ۳-۲۲.

حاجی نصراله، شکوه (۱۳۸۴). «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال چهارم، شماره ۴۱، صص ۶۲-۷۰.

حسینی، افضل‌السادات، حسینی، حسام (۱۳۹۰). «بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۷۵.

خارستانی، اسماعیل (۱۳۸۷). تبیین تطبیقی اهداف و روش‌های آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. رحیمی نسب، حجت‌اله (۱۳۸۶). امکان‌سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان و عوامل فردی مرتبط با آن در برنامه درسی دوره ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده انسانی دانشگاه کرمان.

رستگار، طاهره (۱۳۸۳). ارزشیابی در خدمت آموزش. تهران: منادی تربیت.

رمضانی، معصومه (۱۳۸۹). «بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه بهبعاد مختلف ذهنیت فلسفی»، فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره ۱، صص ۲۱-۳۵.

روشن قیاس، پرورین (۱۳۹۳). تاثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر پرورش مهارت‌های تفکر آنان (بویژه مهارت حل مساله). مجموعه مقالات اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

- ستاری، محمد (۱۳۹۵). بررسی دیدگاه معلمان دوره ابتدایی مجری برنامه فلسفه برای کودک اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران نسبت به محتوا و روش اجرای این برنامه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
- ستاری، علی (۱۳۹۰). بررسی و نقد فلسفه برای کودکان بر اساس مبانی فلسفی تربیت اسلامی. رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ستاری، علی (۱۳۹۵). «رویکردهای مواجهه با برنامه درسی فلسفه برای کودکان و معرفی راهکار مناسب برای کاربست آن در ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۷۰-۵۰.
- ستارپناهی، زهرا، برخوردار، زینب (۱۳۹۶). «بررسی اثربخشی و کارایی داستانهای مثنوی (دفتر ششم) در فلسفه و کودک»، دوفصلنامه فلسفه و کودک، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۱-۲۶.
- سجادیان، نرگس (۱۳۸۸). طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی.
- سجادیان، نرگس؛ قائدی، یحیی و امیری، معصومه (۱۳۹۳). «طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ایرانی در پایه اول ابتدایی»، فصلنامه ارزش‌شناسی در آموزش، سال اول، شماره ۱، صص ۶۴-۸۰.
- سروش، سمانه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط میان آموزش فلسفه به کودکان و تربیت شهروند جهانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- سلیمانی ابهری، هادی (۱۳۸۷). «آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت رسمی»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال دهم، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۱۸.
- سیفی گندمانی، محمدیاسین، شقاقی، فرهاد و کلانتری میدی، سارا (۱۳۹۰). «اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به دانش‌آموزان دختر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آنها»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۶۶-۸۳.
- شریفی نسب، مریم (۱۳۸۸). «فلسفه ادبیات کودک و فلسفه در ادبیات کودک؛ تضاد یا تعامل»، فصلنامه فرهنگ، سال هیجدهم، شماره ۱، صص ۳۴۱-۳۵۷.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۳). مهارت آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس. جلد اول. تهران: سمت.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۵). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: بین‌الملل.
- شمسیان، زهرا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر اجرای قصه‌های سنتی استان خوزستان بر پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران.
- شاه نعمتی، زهرا، سعادت‌مند، زهره و کشتی آرای، نرگس (۱۳۹۶). «تحلیل روش‌های تدریس هنر به منظور ارائه الگوی مطلوب در دوره ابتدایی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۷۹-۱۰۰.

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان ... ۱۴۵

- صابری نجف‌آبادی، ملیحه (۱۳۹۰). «آموزش فلسفه به کودکان در موزه‌های تعاملی علم»، فصلنامه تفکر و کودک، سال دوم، شماره ۱، صص ۷۲-۵۲.
- صادقی هاشم‌آبادی، محمد، علوی، محمدکاظم (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان»، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۲، صص ۷۸-۵۹.
- صباغ حسن‌زاده، طلعت (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان در دوره ابتدایی بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- صفایی‌پور، حامد (۱۳۹۷). کودک، فبک و تربیت. تهران: گروه فلسفه برای کودکان.
- صفرپور، بهشته (۱۳۹۵). آموزش فلسفه برای کودکان با رویکرد معنویت برای کودکان. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری. تیرماه ۱۳۹۵. تهران.
- صمدی، پروین، قانلی، یحیی و رضانی، معصومه (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی برنامه‌درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی با برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و چهارم، شماره ۱۰۶، صص ۸۱-۱۰۴.
- عظیم‌پور، علیرضا، اسکندی، حسین و ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۵). «بررسی تاثیر آموزش "فلسفه برای کودکان" بر تحول اخلاقی دانش‌آموزان پسر پایه ی پنجم ابتدایی شهر تهران در سال ۱۳۸۷»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال سیزدهم، شماره ۲۳، صص ۶۵-۸۲.
- علوی، محمود (۱۳۹۱). بررسی عناصر برنامه‌درسی فلسفه به کودکان در دوره پیش از دبستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. تهران: بال.
- فخرایی، الهام (۱۳۸۹). «فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه»، فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره ۱، صص ۶۹-۸۱.
- فیشر، رابرت (۱۳۹۶). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: رسش.
- قانلی، یحیی، دیباواجاری، مریم (۱۳۹۰). «پیشنهاد چارچوبی برای ارزشیابی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۳۵-۵۸.
- قانلی، یحیی (۱۳۸۸). «برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره راهنمایی و متوسطه»، فصلنامه فرهنگ، سال هیجدهم، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۸.
- قانلی، یحیی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه به کودکان، بررسی مبانی نظری. تهران: داروین.
- قبادیان، مسلم (۱۳۹۴). «تأثیر برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی»، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۴۸.

قضاوی، فاطمه (۱۳۸۶). *نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه به کودکان در پایه سوم (پیکسی) بر اساس اصول برنامه ریزی درسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.

کار، دیوید، ماخر، فنستر و سون، ریچارد (۱۳۹۳). *روش های تدریس پیشرفته*. ترجمه هاشم فردانش. تهران: کویر.

کیارسی، سمیه، قائدی، یحیی، ضرغامی، سعید و منصوریان، یزدان (۱۳۹۵). «فرایند رشد تفکر انتقادی کودکان در آگاهی از خشونت و کلیشه های جنسیتی - اجتماعی رسانه ای از طریق C4p»، *فصلنامه تعامل انسان و اطلاعات*، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۷-۳۱.

لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). «آموزش شهروند ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، *فصلنامه نوآوری های آموزشی*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۱-۴۴.

ماهروزاده، طیبه و تجری، الهام (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر داستان های گلستان سعدی بر پرورش قضاوت اخلاقی نوجوانان با استفاده از روش آموزش فلسفه به کودکان»، *دوفصلنامه فلسفه و کودک*، سال پنجم، شماره ۲، صص ۵-۲۶.

مرعشی، منصور، رحیمی نسب، حجت الله و لسانی، مهدی (۱۳۸۷). «امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه نوآوری های آموزشی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۷-۲۸.

مرعشی، منصور (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت های استدلال دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز*. رساله دکتری، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

ملکی، حسن و سلیمی، جمال (۱۳۹۴). *برنامه درسی بین رشته ای در آموزش عالی (مبانی، اصول، رویکردها و الگوها)*. تهران: سمت.

ملکی، حسن (۱۳۹۱). *مقدمات برنامه ریزی درسی*. تهران: سمت.

موسی پور، نعمت اله (۱۳۹۵). *مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه*. مشهد: به نشر.

ناجی، سعید (۱۳۸۹). *کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان*. جلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ناجی، سعید، صفایی مقدم، مسعود، هاشم، رسنانی، آیت الهی، حمیدرضا و شیخ رضایی، حسین (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با نظر به میزان ابتدای آن بر پراگماتیسم دیویی»، *فصلنامه تفکر و کودک*، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۰.

نقدعلی، محسن، پناهی، زهرا (۱۳۹۰). «ارتباط اجتماع پژوهی در برنامه فلسفه برای کودکان با روش های تدریس فعال و مشارکتی»، *فصلنامه تفکر و کودک*، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.

نوریان، محمد (۱۳۸۷). *تحلیل محتوای رسانه های آموزشی با تأکید بر کتاب های درسی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان ... ۱۴۷

واعظ شهرستانی، زینب (۱۳۹۲). نقد و تحلیل برنامه‌درسی پایه پنجم و ششم فلسفه برای کودکان (داستان کشف هاری استاتلمیر و راهنمای آموزشی آن تحت عنوان کاوشگری فلسفی). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. هدایتی، مهنوش، ماهزاده، حامد (۱۳۹۵). «فلسفه برای کودکان و مهارت حل مسئله اجتماعی»، *دوفصلنامه علوم تربیتی*، سال بیست و سوم، شماره ۱، صص ۲۹-۵۴.

هدایتی، مهنوش (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی دوره‌های تربیت مربی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران و کشورهای پیشرو و ارائه الگوی مناسب برای ایران»، *فصلنامه تفکر و کودک*، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۳۸.

یاری دهنوی، مراد (۱۳۹۴). *مجموعه آموزش مربی فلسفه برای کودکان و نوجوانان جلد اول: درآمدی بر برنامه فلسفه برای کودکان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یاری دهنوی، مراد، حاتمی، عماد (۱۳۹۰). «تبیین و نقد پژوهش‌های دانشگاهی آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آن‌ها»، *فصلنامه تفکر و کودک*، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۶۴.

یوسفی، عاطفه (۱۳۹۵). «اصول بازنویسی داستان‌های متون کهن فارسی به منظور استفاده در برنامه فلسفه و کودک»، *دوفصلنامه فلسفه و کودک*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۳-۱۳.

Azemat Madar Fard, F, Bakhtiyar Nasrabadi, H, Heidari, MH (2016). Philosophy for children: Capacity Evaluation of Humorous Stories in Masnavi Based on Lipmans Views on Philosophical Thinking Components. *Educational Research and Reviews*, Vol 11, No 12. PP 1154-1160.

Barrow, W (2015). 'I think she's learnt how to sort of let the class speak': Children's perspectives on Philosophy for Children as participatory pedagogy. *Thinking Skills and Creativity*, Vol 5, No 17. PP 76-87.

Barrow, W (2010). Dialogic, Participation and the Potential for Philosophy for Children. *Thinking Skills and Creativity*, Vol 5, No 2. PP 61-69.

Bleazby, J (2009). Philosophy for Children as a Response to Gender Problems. *Thinking: The Journal of Philosophy for Children*, Vol 19, No 2. PP 70-78.

Cannon, D., & Weinstein, M (1985). Reasoning skills: An overview. *Thinking*, Vol 2, No 6. PP 29-33.

Cannon, D (1987). Good reasoning: A reconsideration drawn from experience with Philosophy for Children. *Analytic Teaching*, Vol 2, No 8. PP 30-35.

Colom, R, Moriyón, F, Magro, C, Morilla, E (2014). 'The long-term impact of philosophy for children: A longitudinal study (preliminary results)', *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, Vol 1, No 4. PP 1-35.

Daniel, M.-F., Gagnon, M., & Pettier, J.-C (2012). *The developmental process of dialogical critical thinking in preschool children*. Classroom Discourse.

- Daniel, M.-F., & Delsol, A (2005). Learning to dialogue in kindergar-ten. A case study. *Analytic Teaching*, Vol 7, No 25. PP 23-52.
- Dewey, John (۱۹۳۸). *Logic: The Theory of Inquiry*, Southern Illinois University Press.
- D'Olimpio, L, Teschers, C (2016). Philosophy for Children Meets the Art of Living: A Holistic Approach to an Education for Life. *Philosophical Inquiry in Education*, Vol 23, No 2. PP 114-124.
- Fair, F, Haas, L, Carol, G, Daphne D, Debra P, Olena, L (2015). Socrates in the schools from Scotland to Texas: Replicating a study on the effects of a Philosophy for Children program, *Journal of Philosophy in Schools*, Vol 2, No 1. PP 18-37.
- Fayemi, A, K (2009). Human personality and the Yoruba worldview: An ethico-sociological interpretation. *The Journal of Pan African Studies*, Vol 2, No 9. PP 166-176.
- Gazzard, A (1988). Thinking skills in science and philosophy for chil- dren, *Thinking*, Vol 2, No 7. PP 33-41.
- Gorard, S, Siddiqui, N, See, B, H (2017). Can "Philosophy for Children" Improve Primary School Attainment?, *Journal of Philosophy of Education*, Vol 5, No 1. PP 5-22.
- Green, L, Condy, J (2016). Philosophical Enquiry as a Pedagogical Tool to Implement the CAPS Curriculum: Final-Year Pre-Service Teachers' Perceptions. *South African Journal of Education*, Vol 36, No 1. PP 1-18.
- Haynes, J (۲۰۰۲). *Children as philosophers*. London: Routledge Falmer.
- Hanna,j (2007). *American foundation for the advancement of Doing philosophy with children*. USA: Sophia.
- Hymer, B (2002). *IAPC*, Montclair state university.
- Jessica, G (2007). *companying classroom of an inquiry curriculum*, Lawrence Erlbaum associates.
- Kennedy, D (1996). Young children's moves: Emergent philosophical community of inquiry in early childhood discourse. *Critical & Crea-tive Thinking*, Vol 1, No 4. PP 28-41.
- Kim, A (2012). Philosophy for Children. *Educational Perspectives*, Vol 44, No 1. PP 25-28.
- Kohan, WO (2011). Childhood, education and philosophy: notes on deterritorisation. In: N. Vansieleghe and D. Kennedy (eds) Special Issue Philosophy for Children in Transition: Problems and Prospects. *Journal of Philosophy of Education*, Vol 45, No 2. PP 339-359.
- Kohan, WO (2018). Paulo Freire and Philosophy for Children: A Critical Dialogue. *Studies in Philosophy and Education*, Vol 37, No 6. PP 615-629.
- Kottalil, N (2009). Meaning Making and Self- evaluation. *School Psychology Review*, Vol 8, No 32. PP 315-327.
- Lansdown, G (2011). *Every child's right to be heard*. London: Save the Children Fund UK.
- Lane, N. R., & Lane S. A (1986). Rationality, self-esteem and autonomy through collaborative enquiry. *Oxford Review of Education*, Vol 3, No 12. PP 263-275.
- Limpan, M (1980). *Philosophy in the Classroom*. Temple University.
- Limpan, M (۱۹۸۸). *Philosophy Goes to School*. Temple University Press

- Leckey, M (2001). Philosophy for Children in the Middle Years of Schooling Findings from a Year Seven Case Study. *Analytic Teaching*, Vol 21, No 2. PP 106-126.
- Makaiau, A, Tanaka, N (2018). Philosophy for Children: A Deliberative Pedagogy for Teaching Social Studies in Japan and the USA. *Journal of International Social Studies*, Vol 8, No 2. PP 29-54.
- Mehta, S., & Whitebeard, D (2005). *Philosophy for children and moral development in the India context*: Cambridge University.
- Morrison, G, S (2014). *Early Childhood Education Today*(13th Edition)Person.
- Murris, K (2016). The Philosophy for Children Curriculum: Resisting ‘Teacher Proof’ Texts and the Formation of the Ideal Philosopher Child. *Studies in Philosophy and Education*. Vol 35, No 1. PP 63-78.
- Murris, K (2008). Philosophy with children, the stingray & the educative value of disequilibrium. *Journal of Philosophy of Education*, Vol 42, No 3. PP 667-685.
- Ndofirepi, A, Cross, M (2015). Child’s Voice, Child’s Right: Is Philosophy for Children in Africa the Answer?, *Journal of Interchange*, Vol 46, No 3. PP 225-238.
- Nussbaum, M (2010). *Not for profit. Why democracy needs the humanities*. Princeton: Princeton University Press.
- Reznitskaya, A (2008). *Philosophical discussion in elementary school classroom: theory, pedagogy, research*. Montclair state. University, New Jersey, USA.
- Riku, V., & Hannu, J., & Ari, S (2016). Philosophy for Children as an Educational Practice. *Studies in Philosophy and Education*, Vol 35, No 1. PP 79-92.
- Sanjana, M., & Whitebread, D (2005). *Philosophy for children and Moral Development in the Indian context*, Cambridge University.
- Sutcliffe, R., & Williams, S (2000). *The Philosophy Club: An Adventure in Thinking*. Seville: Dialogue Works.
- Trawick-Smith, J., & Dziurgot, T (2011). Good-fit teacher-child play interaction and the subsequent autonomous play of preschool children. *Journal of Early Childhood Research Quarterly*, Vol 7, No 26. PP 110-123.
- Trickey, S., & Topping, K. J (2007). Collaborative philosophical enquiry for school children socio-emotional effects at 11 to 12 years. *School Psychology International*, Vol 27, No 5. PP 599-614.
- Trickey, S., & Topping, K. J (2004). Philosophy for children: A systematic review. *Research Papers in Education*, Vol 75, No 3. PP 365-380.
- Tummolini, L., Castelfranchi, C., & Rakoczy, H (2006). Pretend play and the development of collective intentionality. *Journal of cognitive systems research*, Vol 2, No 7. PP 113-127.
- Vansielegheem, N (2014). What Is Philosophy for Children? From an Educational Experiment to Experimental Education. *Educational Philosophy and Theory*, Vol 46, No 11. PP 1300-1310.
- Välitalo, R, Juuso, H, Sutinen, A (2016). Philosophy for Children as an Educational Practice, *Journal of Studies in Philosophy and Education*, Vol 35, No 1. PP 79-92.

- Venter, E., G. Higgs, L (2014). Philosophy for Children in a Democrati Classroom. *The Social Science Journal*, Vol 41, No 1. PP 11-16.
- Vygotsky, L.S (۱۹۷۸). *Mind and Society: The Development of Higher Mental Processes*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Vygotsky, L.S (۱۹۶۲). *Thought and Language*, Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Wilks, S (2004). *Background to Thinking Curricula: Theories Concerning Thought and Languages, Designing a Thinking Curriculum*, Melbourne: Australian Academy of the Arts.